

اخبار حادثه

از حادثه تا فاجعه

شرق : گاهی آسیب‌های اجتماعی در آغاز به شکل حوادث پراکنده‌ای رخ نشان می‌دهند که اگر در همان ابتدای بروز عارضه‌ها، به‌طور جدی ریشه‌یابی نشوند و مسئولان نهادهای اجتماعی و فرهنگی با فرافکنی و غفلت‌های معمول به‌چاره‌جویی نپردازند، با فاجعه‌هایی روبه‌رو می‌شویم که به‌صورت ناهنجاری‌های گوناگونی ظاهر می‌شوند. سال‌ها پیش اعتیاد در میان جوانان، همچون زخمی کوچک بر پیشکر جامعه ظاهر شد. روزنامه‌ها نسبت به این عارضه شوم هشدار دادند و کارشناسان خواستار اقدام جدی مسئولان برای درمان اسیران اعتیاد شدند. با گذشت زمان آنچنان که باید درباره پیشگیری از اعتیاد و درمان معنادان، اقدامی جدی به عمل نیامد تا اینکه از سه سال پیش قاچاقچیان با وارد کردن مواد مخدر شیمیایی خطرناک به‌صورت قرص‌های رنگارنگی چون اکستازی و شیشه تلاش کردند الگوی مصرف را در میان اسیران اعتیاد تغییر دهند و جوانان و نوجوانانی را که برای فرار از دلهره‌های زندگی و رهایی برای چند ساعت از دنیای خاکستری‌شان، به نشئه شیطانی این نوع قرص‌های رنگین راغب کنند. در آن سحرگاه که پسران نوجوان در نشئه اکس با اتومبیل شان از روی پل یک بزرگراه بر فراز دره‌ای به پرواز مرگ درآمدند، و با آن زمان که پسر۱ ت تحت تاثیر این نشئه شیطانی از اتومبیلی با سرعت سرسام‌آور در بزرگراه پاره شد تا سی‌گاری بخرد! ظهور خطر مرگبار مواد شیمیایی را هشدار دادند. این‌گونه خبرها به‌عنوان حوادث توطه‌ور نشریات انعکاس یافت و بار دیگر افکار عمومی خواستار اقدامی جدی برای پیشگیری و درمان شد اما امروزه با گذشت سه سال از ورود قرص‌های روانگردان، شاهد غفلت‌ها و اهمال‌کاری‌های مسئولان سازمان‌های مختلف هستیم. در مراکز روان‌درمانی و در مطب روانپزشکان شاهد جوانانی هستیم که با مغز و اعصابی آسیب‌دیده در بهت و ورنشپرسی اسیر شده‌اند. در سردخانه‌های پزشکی قانونی و بیمارستان‌ها با مردگان جوانی روبه‌رو هستیم که با چهره‌ای کبود و عضلاتی منقبض در نشئه مرگ قرص‌های رنگین جان سپرده‌اند، مردگانی ورم کرده از درد و دهانی آنچنان باز که فریاد خاموشی برای نجات در میان لب‌ها مانده است. و اکنون هم که مرگ چهار دختر دانش‌آموز نفوذ مواد مخدر شیمیایی را در مدارس گواهی می‌دهند، بی‌آنکه ای صدای ناقوس خطر فاجعه‌ای را به‌خود بیاییم و مسئولان نهادهای سازمان‌های اجتماعی، درمانی، آموزشی و فرهنگی با هماهنگی و همفکری به ریشه‌یابی و چاره‌جویی برای پیشگیری و درمان اسیران اعتیاد بپردازند. دیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر قرص‌های شیمیایی را مهمان جدید ناخوانده‌ای می‌داند و نوید می‌دهد: «با توجه به افزایش هر روز آگاهی خانواده‌ها، نگران گسترش این مواد در جامعه نیستیم!» با این حال، هر روز آثار عارضه‌های غم‌انگیز و گاه هولناک معضل اعتیاد را در صفحه حوادث روزنامه‌ها می‌خوانیم که نتیجه غفلت‌ها و خوش‌نظری‌ها است. افزایش سرقت، قتل‌ها و جنایات خانوادگی، زورگیری‌ها و کیف‌قاپی‌ها از جمله این عارضه‌های اجتماعی‌است که آرا آسیب‌های وارد بر جسم و روان معنادان جوان را در نظر بگیریم می‌توانیم به عمق فاجعه بی‌یریم.

دختر و پسر معناد به «شیشه» دست به سرقت اتومبیل زدند

ایسنا: دختر و پسر جوانی که اسیر اعتیاد به ماده مخدر «شیشه» هستند، برای تهیه پولی برای خرید این ماده مخدر یک اتومبیل پراید را در شهرک غرب تهران به سرقت بردند. این دختر و پسر که مجید۲۵ ساله و شیدا ۲۰ ساله نام دارند ۶ روز پس از سرقت توسط پلیس دستگیر شدند. به گزارش «ایسنا» متهمان در بازجویی گفتند که با هم نامزد هستند و به خاطر اعتیاد به «شیشه» و هزینه بالای آن دست به سرقت زده‌اند، اما وقتی متهمان روز شنبه در کلانتری حاضر شدند، پدر و مادر مجید به پلیس گفتند حاضر به پذیرش شیدا به‌عنوان عروس خانواده نیستیم. پلیس اتومبیل مسروقه را در پارکینگ منزل پدر مجید پیدا کرد و والدینش به مأموران گفتند: «ما نمی‌دانستیم این اتومبیل مسروقه است چون مجید می‌کردیم متعلق به دوست پسرمان است.» پلیس می‌گوید: «خانواده‌های شیدا و مجید از وضعیت مالی مناسبی برخوردار هستند و اعتیاد به ماده مخدر صنعتی این دختر و پسر را به دزدی وا داشته است.»

اعدام دو قاتل یک پسر بچه در خرم‌آباد

اسکانیوز : دو محکوم به مرگ که دانش آموز ۱۲ ساله‌ای را پس از ربودن با آزار و شکنجه به قتل رسانده بودند، سحرگاه دیروز طی مراسمی در خرم‌آباد به دار آویخته شدند. به گزارش اسکانیوز، پسر بچه ۱۲ ساله‌ای به نام کامران روز بیست و یکم فروردین ماه اسفند کشته شد و کارآگاهان جنایی اداره آگاهی لرستان پس از چند روز جست‌جو، جسد کارآآچین شده این نوجوان را در نزدیکی خرم‌آباد پیدا کردند. در جریان جست‌وجوی پلیس برای شناسایی قاتلان، یک شاهد به مأموران گفت که روز ناپدید شدن کامران، این پسر بچه را همراه دو مرد جوان دیده است. کارآگاهان دو جوان مظنون را دستگیر کردند و هر دو به قتل پسر بچه اعتراف کردند. آنها در بازجویی گفتند: کامران را به خاطر وسوسه‌های شیطانی خود ربوده و به آزار و ذلت او پرداخته‌اند. یکی از قاتلان گفت: «وقتی متوجه شدیم پسر بچه قصد دارد موضوع بروده شدنش را به والدینش بگوید، ما هم او را با چند ضربه کارد به قتل رساندیم.»
پرونده این جنایت خارج از نوبت در دادگاه کیفری خرم‌آباد مطرح شد و قضات هر دو متهم را سزایوار قصاص دانستند که این حکم سحرگاه دیروز به اجرا درآمد.

کیف‌قاپی نبود

شرق : دوشنبه هجدهم اردیبهشت‌ماه اسفال مطلبی با عنوان «بازداشت بازگیر تلویزیون به اتهام کیف قاپی» در چند روزنامه از جمله شرق به چاپ رسید که در آن آمده بود، فردی به نام «بهادر» بازیگر تلویزیون به همراه شخص دیگری سوار بر موتورسیکلتی کیف خانمی را ربوده‌اند که با تکمیل تحقیقات از سوی آگاهی و دادیار پرونده روشن شد که این حادثه کیف قاپی نبوده بلکه یک مشاجره خانوادگی سبب این سوءتفاهم شده است.

گروه اجتماعی : با دستگیری عامل اصلی ترور قاضی مقدس

گروه اجتماعی : با دستگیری عامل اصلی ترور قاضی مقدس تحقیقات گسترده پلیسی برای دستگیری همدست او آغاز شد. قاضی حسن مقدس معاون دادستان تهران و سرپرست مجتمع قضایی ارشاد روز یازدهم مرداد ماه سال گذشته هنگامی که با اتومبیل پژو ۴۰۵ خود از دادسرای ارشاد خارج شده بود در خیابان احمد قصیر هدف گلوله یکی از دو موتورسوار قرار گرفت. بعد از ترور قاضی مقدس رسیدگی به این جنایت به صورت ویژه در دستور کار دادسرای جنایی و پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. در حالی که تحقیقات در این زمینه ادامه داشت سرپرست دادسرای جنایی تهران در روز سیزدهم آذرماه ۸۴ از دستگیری مظنون به ترور قاضی مقدس به نام «علی اشرف» پس از مدت‌ها تعقیب و پیگیری و کار اطلاعاتی خبر داد.

به گفته وی علی اشرف در یک عملیات غافلگیرانه و با درگیری مسلحانه و اصابت چهار گلوله به پایش در حالی که مسلح بود دستگیر شد.

سرپرست دادسرای جنایی اعلام کرده بوده علی اشرف بعد از اینکه از سوی

قاضی مقدس محکوم شده بود او را تهدید به قتل کرده بود. اما علی اشرف در جریان بازجویی‌های قلمدادی که در بیمارستان امام سجاد از وی به عمل آمد فقط اتهام فرار از زندان و سرقت مسلحانه را پذیرفت و گفته‌های قبلی خود را تکرار کرد و منکر دست داشتن در ترور قاضی مقدس شد و سرانجام روشن شد که وی در ترور دست نداشته است. از سوی دیگر در حالی که تحقیقات ادامه داشت خبر رسید عامل ترور قاضی مقدس که دو روز بعد از جنایت از ایران خارج شده بود، به یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس گریخته است. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد فردی با مراجعه به سفارت آمریکا در ابوظبی خود را قاتل قاضی مقدس معرفی کرده و خواستار پناهندگی در آمریکا شده است. سفارت آمریکا هم بار در خواست پناهندگی این فرد او را به عنوان متهم به قتل فراری تحویل پلیس ابوظبی داد و پلیس ابوظبی هم موضوع را با پلیس اینترپل (بین‌الملل) ایران در میان گذاشت.

در بررسی‌های پلیس ایران مشخص شد گفته‌های این متهم صحت دارد به این ترتیب وی به نام مجید ک. متهم به ترور قاضی مقدس شامگاه جمعه پس از انتقال به فرودگاه مهرآباد به دایره دهم اداره آگاهی تهران تحویل داده شد. با توجه به حساسیت موضوع، این پرونده به دادستانی تهران ارجاع شد و بازجویی از متهم پرونده با نظارت دادستان تهران صورت گرفت. رئیس مرکز اطلاع‌رسانی نیروی انتظامی تهران بزرگ در این باره گفت: با توجه به جلسه‌ای که صبح شنبه با مسئولان اداره آگاهی تهران بزرگ داشتیم مقرر شد اطلاع‌رسانی درخصوص پرونده ترور قاضی مقدس از سوی سرپرست دادسرای جنایی انجام شود و پلیس در این مورد

گروه اجتماعی : مرد ۵۱ساله‌ای که برادرش را با شلیک دو گلوله به قتل رسانده بود در دادگاه کیفری تهران به قصاص محکوم شد. ساعت ۱۰ صبح دیروز محاکمه این مرد در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری ۱ ریاست قاضی عزیز محمدی آغاز شد و در ابتدای جلسه خاکی نماینده دادستان به شرح ماجرای پرونده پرداخت و گفت: در این پرونده محمدعلی (۵۱ ساله) متهم است در تاریخ ۱۰ مهر ماه ۸۴ با شلیک دو گلوله برادر خود حسن را به قتل رسانده است. روز حادثه مأموران کلانتری نازی‌آباد به آپارتمانی که جنایت در آن اتفاق افتاده بود، رفتند و در تحقیقات

اولیه روشن شد که متهم محمدعلی نام دارد و بعد از کشتن برادرش فرار کرده است. مادر مقتول به مأموران گفت: روز حادثه دختر محمدعلی مشغول ریختن چای بود که مقداری آب جوش روی پای عمویش حسین (مقتول) ریخت. حسین عصبانی شد. در همین حین محمدعلی با برادرش درگیر شد و با شلیک دو گلوله او را کشت

و بعد از قتل هم از خانه فرار کرد. کارآگاهان بعد از روشن شدن ماجرا، تحقیقات خود را برای دستگیری متهم فراری آغاز کردند تا این که وی خود را تسلیم پلیس کرد. محمدعلی در بازجویی به قتل برادرش اعتراف کرد و گفت: برادرم با آنکه با پنج زن ازدواج کرده بود، مرد عیاشی بود. به همین خاطر با هم درگیر شدیم و من هم با شلیک گلوله او را کشتم. من مدت‌ها پیش قصد داشتم که او را به قتل برسانم. بعد از شرح کیفر خواست توسط نماینده دادستان، مادر مقتول تقاضای قصاص برای پسرش کرد. این مادر پیر به قضات گفت: پسر بزرگم، پسر کوچکم را جلوی چشمنامن به گلوله بست و باید قصاص شود. سپس یکی از پسران مقتول به قضات گفت: مادرم همسر اول پدرم بود. وقتی من بچه بودم از هم طلاق گرفتند و پس از این جدایی من پیش پدر و مادر بزرگم زندگی می‌کردم. پدرم بعد از مدتی با زن دیگری ازدواج کرد و او را هم پس از مدتی طلاق داد. چند ماه بعد با سومین زن ازدواج کرد که پس از فوت این زن، چهارمین همسر را به عقد خود درآورد و پس از چند سال این زن را هم طلاق داد. پدرم قبل از مرگش با پنجمین همسرش زندگی می‌کرد که به دست

اعترافات عامل ترور قاضی مقدس

اظهار نظری نکند. سرپرست

دادسرای جنایی تهران در این خصوص گفت: این متهم که

«مجید» نام دارد از حدود ۸ ماه پیش در امارات بازداشت شده بود و در آذرماه سال گذشته از طریق وزارت امور خارجه مطلع شدیم فردی با مراجعه به سفارت آمریکا در ابوظبی مدعی شده قاضی مقدس را به شهادت رسانده و تقاضای پناهندگی کرده است. فخرالدین جعفرزاده افزود: بعد از اطلاع از موضوع تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه انجام شد و هنگامی که از صحت موضوع باخبر شدیم از پلیس بین‌الملل خواستیم تا متهم را به ایران منتقل کند. بعد از انتقال متهم او به ترور قاضی مقدس اعتراف کرد و گفت: روز حادثه با یک موتورسیکلت با

خواهرزاده‌ام حسین بیرون دادسرا در کمین قاضی مقدس بودیم. خواهرزاده‌ام پشت فرمان و من ترک موتور نشسته بودم تا اینکه او را دیدیم که با اتومبیل پژو ۴۰۵ خود از دادسرا خارج شد. در این لحظه حسین

موتورسیکلت را روشن کرد و به طرف اتومبیلش رفتم، هنگامی که به آن نزدیک شدیم من با اسلحه به سمت قاضی مقدس شلیک کردم و متواری شدیم. جعفرزاده در ادامه گفت: به این ترتیب در همان ساعات اولیه گروهی از مأموران تلاش خود را دست داشتن در ترور قاضی مقدس شد و سرانجام عامل ترور) آغاز کردند.

پلیس در بررسی‌ها مخفیگاه حسین را شناسایی کرد اما هنگامی که مأموران وارد آنجا شدند پی بردند که متهم متواری شده است. هم‌اکنون پلیس در تلاش است تا او را دستگیر کند. به گفته جعفرزاده در ادامه تحقیقات مشخص شد متهم دستگیر شده ۵ فقره سرقت مسلحانه از بانک‌ها داشته که در این سرقت‌ها سه مأمور بانک را مجروح کرده و یک مأمور را هم به شهادت رسانده است. جعفرزاده درباره انگیزه عامل ترور قاضی مقدس گفت: متهم که ۲۶ساله است در بازجویی‌ها عنوان کرده قبل از ترور به دلیل تشکیل خانه فساد از سوی پلیس دستگیر شده بود که در مجتمع ارشاد تحت سرپرستی قاضی مقدس به جزای نقدی محکوم شده است. وی گفت: از قصد مضروب کردن قاضی پرونده را داشتم اما با احتمال اینکه ممکن بود شناسایی شوم تصمیم به ترور قاضی مقدس گرفتم. سرپرست دادسرای جنایی افزود: هم‌اکنون در حال بررسی اظهارات متهم هستیم. وی در مورد سلامت روانی متهم گفت: وی در ابوظبی مورد آزمایش سلامت روانی قرار گرفته و سلامت روانی‌اش تایید شده است. جعفرزاده در پایان گفت: یکی دیگر از همدستان متهم که سلاح کمری مورد استفاده در جنایت را نزد خود مخفی کرده بود دستگیر شده است و تحقیقات از وی ادامه دارد.

متهم به قتل مرد پنج زنه به مرگ محکوم شد

عمومیم کشته شد. این پسر جوان هم از دادگاه برای عمویش تقاضای اعدام کرد. سپس متهم به قتل در برابر قضات ایستاد و قاضی عزیز محمدی رئیس شعبه ۷۱ دادگاه کیفری از او پرسید: اتهام شما قتل عمدی برادران است؟ آیا قبول دارید که عمداً برادران را کشته‌اید؟محمدعلی گفت: بله، قبول دارم. اما همه چیز در یک لحظه اتفاق افتاد. بچه‌های برادرم مرا می‌شناسند. مادرم هم می‌داند که من بی‌گناهم! به نظر من این بچه‌ها همه قربانی هستند. بچه‌هایی که اصلاً محبت پدری ندیده‌اند. به برادر من گفتیم چرا مرگت را بپذیر. در حالی‌زن گفتی، حتماً از من می‌گیری چرا بچه‌دار می‌شوی و بعد از مدتی هم زن و بچه‌ها را ترک می‌کنی؟ برادرم دنسبال خوشگدرانی‌اش بود. من نمی‌دانستم که برادرم از همسرش ۲ بچه‌دار و امروز در دادگاه متوجه شدم که برادرم این همه بچه داشت! قاضی: انگیزه شما از قتل فقط خوشگدرانی‌های برادرت بود؟

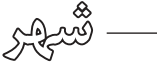
متهم: اولین انگیزه‌ام این بود که از زنان و بچه‌هایش را بدیخت می‌کرد. اما اختلاف بعدی ما بر سر مسائل مالی بود. من چند سال پیش از همسر جدا شدم و پیش مادرم زندگی می‌کردم. قبل از قتل برادرم، متوجه شدم که مادر خانمم در همدان فوت کرده و ارث زیادی به زنم رسیده است. دخترتان را تماس گرفتند و از من خواستند که به سراغ مادرشان (همسر سابقم) بروم و حقم را بگیرم. اما برادرم وقتی متوجه این موضوع شد به همدان رفت و حتی با همسر نقشه قتل مرا هم کشیده بودند. یکی از اختلافات من برادرم همین موضوع بود.

قاضی: مادر شما در صحنه قتل به‌مأموران گفت

که دختر شما روی پای برادران آب جوش ریخته و به

خطر همین با هم درگیر شدید و شما با شلیک گلوله او را به قتل رساندید؟

متهم: آن روز دخترم روی پای عمویش آب جوش ریخت که برادرم شروع کرد به فحاشی و به سمت من هجوم آورد، من هم در یک لحظه کنترل‌م را از دست دادم و او را کشتم. در پایان محاکمه قضات دادگاه این مرد را به قصاص محکوم کردند.



جدیدترین طرح شهرداری تهران

خانه شهریان جوان با استقبال روبه‌رو شد



«شما هم پایه‌اید؟» این جمله روی

پوستراهی تبلیغاتی اولین چیزی بود که جوانان کتاب به‌دست را با کمی حیرت و کنجکاوی به سوی غرفه‌های کوچک و نازنچی‌رنگی می‌کشاند که در چهار نقطه نمایشگاه کتاب اسفال مستقر شده بودند. «خانه شهریان جوان» از ۱۳ اردیبهشت و همزمان با آغاز جشن کتاب، فعالیت خود را آغاز کرد. «خانه شهریان جوان» جدیدترین نهادی است که زیر نظر شهرداری تهران فعالیت خود را آغاز کرده و قرار است به جذب و سازماندهی جوانان ۲۵–۱۵ ساله ساکن تهران بپردازد و از اوقات فراغت، توان‌ها و تخصص‌های آنها در جهت آبادانی شهر تهران و نیز ایجاد آرامش روانی در میان شهروندان کمک بگیرد. دکتر مجید حسینی مشاور جوان شهردار تهران با اشاره به آمار ۳۰ درصدی بیکاری در میان جوانان ساکن پایتخت در خصوص لزوم تشکیل چنین مرکزی می‌گوید: فکر می‌کنم بر خلاف گذشته دیگر وقت آن رسیده است که ادعا نکنیم می‌خواهیم برای جوانان کاری انجام دهیم. حالا باید خیلی از کارهای گذشته را انجام ندهیم و اجازه دهیم که جوان‌ها خودشان دست به‌کار شوند. وظیفه

ما در خانه شهریان جوان این است که میدان را باز کنیم

تا مشکلات شهر توسط شهروندان حل‌حال شود. «در

میان اهداف تعریف شده برای خانه شهریان جوان

می‌توان به ایجاد محیط آرام شهری، کم‌کردن استرس‌های

شهری، شناخت آسیب‌های روانی شهر و استفاده از

اوقات فراغت جوانان در جهت سازندگی شهر اشاره کرد.

در ایام برگزاری نمایشگاه غرفه‌های مربوط به خانه‌ا

پرمناب‌ترین بخش‌های نمایشگاه کتاب بود که نشان

از اشتیاق و آمادگی جوانان برای بهبود وضعیت فعلی شهر

تهران دارد. استقبال از این طرح به گونه‌ای است که

شهروندان بالای ۲۵ سال اعم از متخصصین، اساتید

دانشگاه و بعضاً روحانیون را نیز به عضویت خانه

شهریان تشویق کرده است. جالب اینکه تلاش مسئولین

عضوگیری باعث شد تا نام بسیاری از چهره‌های شاخص

سیاسی، ورزشی، علمی و هنری در

دیده شود. حمیدرضا آصفی،

سیدمحمدعلی ابطیحی، علی اکبر

اشعری، عمادافروغ، حمیدرضا ترقی،



مردمک

۲۲۰۵۳۳۷۲

دخالت سهمیه در آزمون دستیار تخصصی

در حالی که آزمون پذیرش دستیار تخصصی رشته‌های پزشکی یکی از علمی‌ترین و تخصصی‌ترین آزمون‌های برگزار شده در کشور است ولی دخالت دادن سهمیه‌های گوناگون در پذیرش دستیاران تخصصی باعث شده عملاً بعد علمی این آزمون زیر سؤال برود. به عنوان مثال یک آقا با کسب رتبه ۱۵۰ از تحصیل در رشته قلب و عروق دانشگاه تهران محروم می‌ماند در حالی که یک خانم با استفاده از سهمیه خانم‌ها (صرفاً به دلیل زن بودن!) می‌تواند با رتبه ۴۵۰ در این رشته قبول شود. آیا به راستی این نحوه پذیرش با اهداف علمی و پژوهشی پیش‌بینی شده در چشم انداز ۲۰ساله کشور همخوانی دارد؟ آیا مردم از چنین شیوه گزینشی در انتخاب افرادی که قرار است امانت‌دار رزاهای ایشان باشند رضایت دارند؟

احداث جاده و بستن آن

چرا جاده‌ای در جلال‌آل احمد ترسیه به کوی نصر برای ورود به کوی نصر با صرف میلیون‌ها تومان احداث می‌شود و بعد از مدتی با گذاشتن سنگ‌های چندنتی این جاده مسدود می‌شود. چه کسی دستور احداث جاده را می‌دهد و چه کسی دستور بستن را می‌دهد؟ آیا قبل از انجام چنین پروژه بزرگی نهادهای مختلف نمی‌توانند با همدیگر هماهنگ شوند؟

درخواست بانوان شاغل در شهرداری

بانوان شاغل در شهرداری تهران نگران تمدید نشدن دفترچه‌های بیمه فرزندانانشان هستند چرا که می‌گویند فرزندان نمی‌توانند تحت پوشش بیمه مادر قرار بگیرند و حتماً باید تحت پوشش بیمه پدرانشان باشند در حالی که حق بیمه کسر شده از مردان و زنان شاغل مساوی است و انتظار می‌رود بدون تبعیض بانوان نیز از حق تحت پوشش قرار ندهند و فرزندانشان برخورداری شوند. وقتی بیمه درمانی شهرداری خدمات بهتری ارائه می‌کند چرا فرزندان زنان شاغل نباید از این مزیت استفاده کنند. در سال ۷۹ طبق مصوبه شورای درمان تمامی بانوان شاغل در شهرداری تهران از تسهیلات بیمه شهرداری برای فرزندانشان برخوردار شدند. این تصمیم پشتوانه بررسی کارشناسی داشت و در آن نیازهای مالی و روانی بانوان در نظر گرفته شده بود. با این کار به وضعیت معیشتی و بهداشت خانواده کارکنان کمک و احساس رضایت شغلی را سبب می‌شد. حالا قرار شده است دفترچه‌های بیمه فرزندان بانوان شاغل جمع‌آوری و ابطال شود و فرزندان فقط تحت پوشش بیمه پدرانشان باشند. مادران شاغل اصلاً از این تصمیم راضی نیستند و درخواست تجدیدنظر و بازگشت به موقعیت گذشته را دارند چون زنان نیز هم پای مردان خدمت می‌کنند و در عین حال بخشی از بار سنگین اقتصاد خانواده را بر دوش می‌دارند و اصلاح این موضوع درخواست اصلی ما از مدیریت خاندان‌گزار شهرداری تهران است.

کتاب‌های معرفی شده در بازار نیست

دانشگاه پیام نور به تازگی برای رشته‌های کارشناسی ارشد ثبت‌نام کرده است. کتاب‌هایی را که این دانشگاه برای رشته روانشناسی معرفی کرده هیچ کتابفروشی‌ای وجود ندارد حتی در نمایشگاه نیز عرضه نمی‌شد. سؤال این است چرا این دانشگاه اقدام به معرفی کتاب‌هایی برای این رشته کرده که در هیچ کتابفروشی‌ای عرضه نمی‌شود و حتی انتشارات خود دانشگاه این یک ماه دیگر قرار است آنها را تجدید چاپ کند. تمام کتاب‌های که معرفی شده بسیار قطوند دانشگاهیان نیز دو ماه بیشتر وقت ندارند، از آن وقت کتابی هم نیست که لاقط در این فرصت باقی مانده بخوانند.

مجوز ساخت و ساز در یک کوچه

ساکن کوچه رجایی در سردار جنگل هشتم. این کوچه ۶ متر عرض و ۱۰۰ متر طول دارد. به تازگی به حدود ۲۰ ساختمان در این کوچه مجوز ساخت و ساز داده‌اند که این امر آسایش را از ساکنین سلب کرده. اصلاً دادن این همه مجوز در یک کوچه کم‌عرض و باریک کاری غیرمنطقی است.

وضعیت بیمارستانی در پایتخت

یک بیمارستان قدیمی در خیابان سعدی دو اتاق برای سنجش شنوایی دارد (اتفاکی که بیمار را داخل آن می‌فرستند و از آنجا صداهایی را با فرکانس‌های مختلف به گوشش می‌رسانند و هر موقع بیمار صدا را می‌شنود باید با بوق جواب دهد) منتها یکی از این اتاق‌ها می‌گرفتن نادره که دکتر با مریض صحبت کند، دو اتاق دیگر بوق ندارد و به جای آن چکش قرار داده‌اند تا بکار بوق را انجام دهد. حال که بیمارستان پایتخت به این وضع باشد وای به حال بیمارستان‌های شهرستان‌های دیگر.

جوابیه

شرکت آب و فاضلاب استان تهران: اطلاعات داده شده کافی نیست

روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب تهران در خصوص گزارش قطع آب به دلیل ندادن پول عطف به توجیه به اینکه هیچ گونه اطلاعات کافی برای حل مشکل شهروند محترم اعلام نشده است، بدین وسیله درخواست می‌شود با اعلام آدرس و مشخصات ساختمان مذکور ما را در رفع مشکل یاری کنند.